

نگاهی بر برگهای حیات علامه مجلسی



علامه مجلسی مجاهد راه علم و دانایی از جمله علمای عصر صفوی است که با وجود برخورداری از علوم عقلی، آن را رها کرد و برای احیای علوم نقلی به آیات و روایات روی آورد. محمد باقر مجلسی فرزند محمد تقی مجلسی در سال 1037 هجری برابر با حروف ابجد «جامع کتاب بحار الانوار» چشم به جهان گشود. وی در خاندانی رشد یافت که از نیمه قرن پنجم هجری به مذهب تشیع روی آورده و در قرن دهم و یازدهم از دانشمندان معروف زمان خود بودند. پدر بزرگ محمد باقر، ملا مقصود از دانشمندان با تقوا و از مروجین مذهب تشیع بود و به خاطر کلام زیبا و اشعار دلنشین در محافل و مجالس به «مجلسی» لقب گرفت.

محمد باقر در چهار سالگی به درس و بحث روی آورد و در چهارده سالگی از ملاصدرا اجازه روایت دریافت کرد. گذشته از این در مکتب دانشمندی چون شیخ حر عاملی، ملامحسن استرآبادی، ملامحسن فیض کاشانی، ملاصالح مازندرانی تلمذ کرده است، طوری که گفته‌اند شمار اساتید وی به بیست و یک استاد می‌رسد.

علامه مجلسی در اندک زمانی بر دانش های صرف و نحو، معانی و بیان، لغت و ریاضی، تاریخ و فلسفه، حدیث و رجال، درایه و اصول، فقه و کلام مسلط شد و پس از فوت پدر به زعامت مسجد و مدرسه جامع اصفهان پرداخت. در درس او بیش از هزار طلبه حاضر می‌شدند. در مکتب این علامه عصر صفوی شخصیت های بزرگی از دانشمندان دانش آموخته اند که می‌توان از مولی ابراهیم جیلانی، ملامحمد باقر لاهیجی، ملا حسین تفرشی، عبدالحسین مازندرانی، سید عزیز الله جزایری، ملامحمد کاظم شوشتری و سید نعمت الله جزایری نام برد. سید صلح الدین مهدوی در کتاب زندگینامه علامه مجلسی به نام 181 نفر از شاگردان وی اشاره کرده است.

علامه علاوه بر علم و دانش در عرصه سیاست نیز فعال بود و پس از فوت مرحوم ملا محمد باقر سبزواری در سال 1090 به منصب شیخ الاسلامی دست یافت. علامه در این سالها علاوه بر مبارزه علیه صوفیان با کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسسات و شرکت های غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت و خدمات شایانی به مذهب حقه جعفری کرد. علامه مجلسی از جمله علمایی بود که سعی در ایجاد وحدت میان شیعه و سنی را داشت و این در خواسته وی از سلطان حسین صفوی هنگام تاجگذاری هویدا است. وی از شاه خواسته بود طی فرمانی نوشیدن مسکرات، جنگ میان فرقه‌ها و کبوتر بازی را ممنوع اعلام کند.

در خواسته علامه مجلسی سه نکته‌ای که ملتهای بزرگ با آرمانهای متعالی را به زانو درمی آورد، مورد توجه قرار گرفته است و آن فساد، تفرقه و بی تفاوتی نسل جوان بود. نکته مهمی که در سیاست علامه در دربار به چشم می‌خورد، این است که در زمان شیخ الاسلامی ایشان هیچ برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و به هیچ یک از ولایتهای اهل تسنن ایران از سوی شیعیان تعدی نشد.

آنچنان که مشهور است علاوه بر تربیت شاگردان کتابهای گرانهای بسیاری تألیف کرده است؛ حق الیقین، عین الحیاء، حلیة المتقین، حیاة القلوب. بسیاری دیگر از کتب فارسی و عربی که بر اساس نیاز مردم تحریر شده است که مشهورترین و معروفترین این کتابها که در حقیقت دایره المعارفی بزرگ درباره تشیع می باشد، کتاب بحار الانوار است که بالغ بر 100 جلد است. پدر بزرگ محمد باقر، ملا مقصود از دانشمندان با تقوا و از مروجین مذهب تشیع بود و به خاطر کلام زیبا و اشعار دلنشین در محافل و مجالس، «مجلسی» لقب گرفت. علامه در مسیر احیای علوم اهل سنت (ع) با وجود برخورداری از علوم عقلی آن را رها کرد و برای احیای علوم نقلی به آیات و روایات روی آورد که در آن زمان طلاب علوم دینی از آن دور مانده بودند و در اولین گام کتب اربعه را به درس و بحث حوزه های علمیه آن زمان کشاند. در گام بعدی با جمع آوری گهرهای گرانهای اهل بیت که در اطراف و اکناف پراکنده بود در بحار الانوار جمع کرد.

علامه در مقدمه بحارالانوار چنین می نگارد:

«در آغاز کار به مطالعه کتابهای معروف و متداول پرداختم و بعد از آن به کتابهای دیگری که در طی اعصار گذشته به علل مختلف متروک و مهجور مانده بود رو آوردم. هر جا که حدیث نسخه حدیثی بود سراغ گرفتم و به هر قیمتی که ممکن شد بهره برداری می‌کردم. شرق و غرب را جویا گشتم تا نسخه‌های بسیار گردآوری نمودم. در این مهم دینی جماعتی از برادران مذهبی مرا یاری نمودند و به شهرها و قصبه ها و بلاد دور سر کشیدند تا به فضل الهی مصادر لازم را بدست آوردند ... بعد از تصحیح و تنقیح کتاب‌ها بر محتوای آنها واقف شدم، نظم و ترتیب کتاب‌ها را نامناسب دیدم و دسته بندی احادیث را در فصل‌ها و ابواب متنوع راهگشای محققان و پژوهشگران نیافتم، از این رو به ترتیب فهرستی همت گماشتم که از هر جهت جالب و مفید باشد. در سال 1070 هجری این فهرست را ناتمام رها کردم و از فهرست بندی سایر کتاب‌ها دست کشیدم که اقبال عمومی را مطلوب ندیدم و سرانجامه را فاسد و نامطبوع دیدم....»

ترسیدم که در روزگاری بعد از من باز هم نسخه‌های تکثیر شده من در طاق نسیان متروک و مهجور شود و یا مصیبتی از ستم غارتگران زحمات مرا در تهیه نسخه‌ها بر باد دهد، لذا با خود اعضاء، کدم- از خدا نا، طلسم-ه به کتاب بحارالانوار، پرداختم. علامه مجلسی در اندک زمانی بر دانش های صرف و نحو، معانی و بیان، لغت و ریاضی، تاریخ و فلسفه، حدیث و رجال، درایه و اصول، فقه و کلام مسلط شد و پس از فوت پدر به زعامت مسجد و مدرسه جامع اصفهان پرداخت. در درس او بیش از هزار طلبه حاضر می‌شدند ... در این کتاب پربرابر قریب 3000 باب طی 48 کتاب علمی خواهید یافت که شامل هزاران حدیث است، شما در این کتاب برای اولین بار با نام برخی از کتاب‌ها آشنا می‌شوید که سابقه علمی ندارد و طرح آن کاملاً تازه است.

پس ای برادران دینی که ولایت امامان را در دل و ثنای آنان را بر زبان دارید به سوی این خوان نعمت بشتابید و با اعتراف و یقین کتاب مرا دست به دست بپرید و با اعتماد کامل به آن چنگ بزنید و از آنان نباشید که آنچه را در دل ندارند بر زبان می‌آورند.»

اما فرصت کم و مشاغل زیاد او مانع از آن شد که به شرح و تصحیح روایات بپردازد. به همین علت در مقدمه چنین نگاشت:

«در نظر دارم که اگر مرگ مهلت دهد و فضل الهی مساعدت نماید، شرح کاملی متضمن بر بسیاری از مقاصد که در مصنفات سایر علما باشد بر آن (بحارالانوار) بنویسیم و برای

استفاده خردمندان، قلم را به قدر کافی پیرامون آن به گردش درآورم.»

علامه مجلسی قدرت تصحیح روایات و احادیث را به خوبی دارا بود، همان گونه که این قدرت و ژرف نگری خود را در مرآة العقول به نمایش گذارده است.

حضرت امام خمینی(ره) درباره بحارالانوار می فرماید: "بحار خزانه همه اخباری است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده، چه درست باشد چه نادرست، در آن کتاب‌هایی

هست که خود صاحب بحار آنها را درست نمی داند و او نخواست کتاب علمی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتاب‌ها را فراهم کردی؟"

علامه بزرگوار سرانجام در 27 رمضان 1110 هجری قمری در زمان شاه سلطان حسین صفوی و در سن هفتاد و سه سالگی در اصفهان درگذشت و در جامع عتیق اصفهان، در جوار

مرقد پدر بزرگوارش، جایی که امروزه «بقعه مجلسی» خوانده می‌شود، به خاک سپرده شد

علامه مجلسی(ره) و کسانی که همانند ایشان بوده و هستند، دارای دو گونه کار در زمینه احادیث‌اند:

1- گردآوری و طبقه‌بندی، 2- نقد و بررسی.

کسی که اندک اطلاعی در مورد آثار علامه مجلسی(ره) داشته باشد به آسانی در می‌یابد که روش آن مرحوم در بحارالانوار گردآوری و طبقه‌بندی بوده است. کاری که هر محققى در

آغاز کار تحقیق باید به آن بپردازد.

کار علامه مجلسی در زمان خود کار بسیار لازم و ضروری بوده است؛ چرا که شیعه قرن‌ها در تحت فشار دستگاه‌های حکومتی بوده و از همین رو بسیاری از احادیث و آثار آن نابود

شده بود و یا در خطر نابودی قرار داشت.

بقای کتاب و حدیث نیز در آن زمان به نوشتن و انتشار دستی وابسته بوده است. از این رو اگر کتابی نوشته نمی‌شد و از روی آن نسخه‌های متعدد منتشر نمی‌گردید، از بین می‌رفت؛

چنان که آثار فراوانی از بزرگان عالم اسلام به همین دلیل و به دلیل حوادث و پیشامدها، از بین رفته است.

علامه مجلسی(ره) در روزگار کوتاهی که فرصتی برای شیعه پدید آمده بود (نسبت به تاریخ اسلام) همت نهاد و کتاب‌های رو به نابودی شیعه را از اقصی نقاط عالم اسلام گردآوری

و به طبقه‌بندی احادیث و تبویب آنها همت گماشت، حاصل این کار مجموعه گران‌قدر «بحارالانوار» و نیز «عوامل بحرانی» است.

شأن محقق در مرحله تتبع تنها گردآوری است؛ اما علامه مجلسی(ره) چهره دیگری دارد که آن چهره نقد و بررسی است.

کتاب شریف «مرآة العقول» - که شرح و نقد علمی و دقیق کتاب گران‌قدر کافی است - این جایگاه علامه را به روشنی آشکار می‌سازد. متأسفانه برخی که از وادی تحقیق دورند، تنها

یک چهره کار را دیده‌اند؛ گرچه آن نیز در جای خود کاری لازم و ضروری بوده است(گردآوری) و اگر بنا باشد محدث روایاتی را که فقط به نظر او صحیح می‌رسد گردآوری کند، این کار

عوارض بسیار نامطلوبی را در پی خواهد داشت:

اولاً، بسیاری از احادیث به دلیل عدم نقل (به ویژه در گذشته‌ها) متروک و محجور می‌ماند و کم‌کم از بین می‌رفت.

ثانیاً، نظر محدث نوعاً نظری است اجتهادی که بر طبق مبانی خود آن را برمی‌گزیند. چه بسیار مواردی که محدثی حدیثی را صحیح می‌داند ولی محدث دیگر بر طبق ادله آن را رد

می‌کند و برعکس. بنابراین حذف روایات، بستن راه تحقیق به روی دیگران است. چه بسا امروز حدیثی فهمیده نشود؛ ولی فردا همان حدیث راه‌گشای آیندگان باشد و... و یا با

نقطه نظرهای اجتهادی تازه، راه برای اثبات صحت سند آن فراهم گردد

تبیان